

بازگشت جهان به نقطه ابهام؛ میز برجام دوباره شلوع شد

به ایران همه گویای این واکنش تند و دراماتیک ایران است که می‌تواند تشدید هم پیدا کند. به‌ویژه آنکه در همین راستا شمخانی هم با انتشار توییتی نوشت: «آزادسازی نفت توقیف‌شده ایران از سوی یونان نشان می‌دهد تنها راه دفاع از حقوق کشور در برابر قلدری در برجام و آژانس و سایر عرصه‌ها اقدام متقابل است». پیرو این نکته بی‌شک تبعات این واکنش تهران مهم‌تر از دلایل بروز آن است؛ چراکه دیگری یای مذاکرات وین و احیای برجام در میان نیست؛ بلکه تداوم این اقدامات، چه با هدف موازنه‌سازی قدرت یا هر هدف دیگری می‌تواند نتیجه کاملا عکس بدهد و منجر به صدور سلسله قطع‌نامه‌های دیگر شورای حکام، ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و نهایتا بازگشت قطع‌نامه‌ها شود. توالی بحران‌ها یا ابربحران‌های متعدد در سال‌های اخیر و به‌خصوص از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم فرصت و اجازه تصاعد تنش را به تهران نمی‌دهد؛



بررسی تحولات بعد از صدور قطع‌نامه شورای حکام علیه ایران در گفت‌وگوی «شرق» با سفير سابق ایران در انگلستان

مهم‌ترین پیام قطع‌نامه شورای حکام چه بود؟



اواخر وقت چهارشنبه گذشته نهایتا شورای حکام رای به صدور قطع‌نامه علیه ایران داد؛ هرچند تهران پیش از صدور قطع‌نامه واکنش‌های خود را با قطع فعالیت دوربین‌های فرابادمانی دستگاه اندازه‌گیری برخط سطح غنا OLEM و فلومتر آژانس و فعال‌سازی سانتریفیوژهای بیشتر نشان داد؛ اما در کنارش خاموش‌شدن ۲۷ دوربین نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تحرکاتی برای تولید و نصب نسل‌های جدید سانتریفیوژ ازجمله IR-6 و IR-4 و IR-2m هم فضای تصاعد بحران را فراهم کرده است تا جایی که به گفته رافائل گروسی تنها سه تا چهار هفته طول می‌کشد که احیای توافق اتمی غیرممکن شود. ازاین‌رو «شرق» در گفت‌وگویی با محسن بهاروند به دنبال چرایی رسیدن ایران به این نقطه است. آنچه در ادامه از نظر می‌گذرانید، ماحصل این کپ‌وگفت با سفیر سابق ایران در انگلستان، معاون پیشین امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و معاونت دبیر کل سازمان حقوقی مشورتی آسیایی – آفریقایی درخصوص ارزیابی تبعات صدور قطع‌نامه شورای حکام و اقدامات بعدی ایران در روزهای پیش‌رو خواهد بود.

صدور قطع‌نامه و احتمال واکنش‌های بعدی ایران به سمتی پیش رود که یک فضای «حیثیتی» را چه برای ایران و چه برای دیگر طرف‌های مذاکرات شکل بدهد. اگر چنین باشد باید از آن دوری گزید.

● چرا؟

چون شکل‌گیری فضای حیثیتی کل پروسه احیای برجام و لغو تحریم‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ بنابراین پیرو سؤال قبلی‌تان اینکه توپ در زمین ایران است یا هر کشور دیگری چندان مهم نیست. مهم این است که یک موضوع مورد مذاکره اکنون روی میز قرار دارد و باید طرفین از ایران گرفته تا آمریکا، تروئیکای اروپایی، روسیه، چین، آژانس، شورای حکام و… از حیثیتی‌کردن شرایط برای طرف مقابل خودداری کنند که بازیگر رویه‌رو به سمت اقدامات تندتر پیش نرود.

● **دولت رئیسی از دو بسته پیشنهادی برای آمریکایی‌ها سخن گفته که با بی‌باختی دولت یازدهم مواجه شده است. از نگاه شما این بسته‌های پیشنهادی تا چه اندازه می‌تواند فضا را از نگاه حیثیتی دور کند؟**

چون از جزئیات این دو بسته پیشنهادی خبر ندارم نمی‌توانم بگویم که این بسته‌ها تا چه اندازه می‌توانند مانع از ایجاد فضای حیثیتی شوند. من جزء تیم مذاکره‌کننده نیستم. اما به هر حال تیم کارشناسی فعلی در وزارت امور خارجه با اشراف به جزئیات سعی دارد پیشنهادهاتی را مطرح کند که از تشدید تنش جلوگیری کند. در کل معتقدم برای شکستن بن‌بست سه‌ماهه کنونی در وین باید با ابتکار عمل تاحدیه اروپا، هم تهران و هم واشنگتن از برخی خواسته‌ها و خطوط قرمز عدول کنند تا مذاکرات مجددا در دستور کار قرار گیرد.

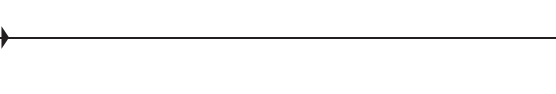
● **به مسائل فرابادمانی به عنوان حوزه پاسخ‌گویی ایران در برابر فشار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای حکام اشاره داشتید، اما به نظر می‌رسد جریان رادیکال در داخل کشور، هم قبل از صدور قطع‌نامه و هم بعد از آن اقداماتی مانند خروج از NPT، غنی‌سازی ۹۰درصدی، عدم ورود مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بازرسان آژانس و مسائلی ازاین دست را به عنوان واکنش ایران در برابر این قطع‌نامه خواستار شدند. آیا تهران این اقدامات را عملی خواهد کرد؟**

من پرهیز دارم از اینکه مسائل سیاست خارجی و دیپلماسی را وارد قطب‌بندی‌های سیاست داخلی بکنم. اما در کل باید گفت که ایران در فضای کنونی آمادگی انجام این اقدامات را دارد؛ بنابراین هرچقدر فشار بیشتری را از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا شورای حکام شاهد باشیم، ایران می‌تواند اقدامات تندتری را عملیاتی کند، اما محاسبه سود و زیان آن به شرایط مکانی و زمانی خود بستگی دارد.

● **از امیدواری خود برای ادامه مذاکرات حتی بعد از صدور قطع‌نامه گفتید، اما به نظر می‌رسد دیگر رفتار دست‌به‌معضای اعضای شورای حکام آژانس و خود آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و طرف‌های مذاکره‌کننده با محوریت تروئیکای اروپا و ایالات متحده برای**

بنابراین هرگونه اقدامی در واکنش به قطع‌نامه تبعات مخرب بیشتری برای داخل خواهد داشت. در این شرایط واشنگتن می‌گوید قطع‌نامه شورای حکام و اختلافات میان جمهوری اسلامی و آژانس را از مذاکرات هسته‌ای جدا می‌داند و همچنان مایل به احیای برجام است. مواضع اخیر بلینکن و رابرت مالی پس از صدور قطع‌نامه مؤید این نگاه است. در کنارش بیانیه تروئیکای اروپایی هم با دیدگاهی نزدیک به واشنگتن معتقد است اقدامات ایران در واکنش به قطع‌نامه صرفا وضعیت موجود را وخیم‌تر کرده و تلاش‌ها را برای احیای برجام پیچیده‌تر می‌کند. رافائل گروسی هم اقدامات ایران را «ضربه‌ای کشنده» به برجام خواند و هشدار داد تنها سه تا چهار هفته طول می‌کشد تا احیای توافق اتمی غیرممکن شود. با این حال در آن سو دو طرح کنکره آمریکا برای قطع کمک‌های مالی برای جلوگیری از اختصاص بودجه به اجرای برجام و نیز

یکپارچه‌سازی سیستم‌های پدافند هوایی کشورهای خاورمیانه و اسرائیل برای مقابله با تهدید هسته‌ای، موشکی و پهپادی ایران هم پالس‌های متناقضی را ارسال می‌کند. درعین‌حال واکنش تل‌آویو و ریاض بعد از صدور قطع‌نامه را هم نمی‌توان نادیده گرفت. با درنظرداشتن مجموعه این اتفاقات و تحولات ریز و درشت دیگر و نیز اهمیت صدور قطع‌نامه و واکنش‌های بعدی تهران در سمت‌وسوآدن به تحولات پیش‌رو، «شرق» در پرونده ویژه دیگر خود علاوه بر یادداشت‌هایی از سفرا، دیپلمات‌ها و کارشناسانی مانند سیدجلال ساداتیان، جلال خوش‌چهره، فریدون مجلسی و کوروش احمدی که سعی کرده‌اند از زوایای مختلف مسئله را مورد فرات بردارند، گفت‌وگوهایی را هم با محسن بهاروند و عباس عبدی انجام داده است تا ارزیابی آنان را هم در این زمینه جویا شود.



● **چطور؟**

اگر دولت بایدن به واقع خواهان احیای برجام است، حداقل می‌توانست اجرای احکام دادگاههایی را که به دلیل فشارهای سیاسی کنکره و سننا علیه ایران تصویب شده‌اند، به تعویق بیندازد تا این سیاست چمقا و هویج در قبال جمهوری اسلامی کنار گذاشته می‌شد. بایدن از یک طرف به دنبال صادره محموله نفتی ایران است و مرتبا برخی اشخاص و نهادهای ایرانی را تحریم می‌کند و در کنار آن ادعای احیای برجام را هم دارد. خوب بدیهی است که این سیاست متناقض و دوگانه در مقابل ایران جواب نمی‌دهد. اگر بایدن به‌واقع به دنبال احیای برجام است، صادقانه و با حسن‌نیت وارد شود. احیای برجام به مذاکره متقابل نیاز دارد، نه فشار و قطع‌نامه شورای حکام.

● **بعد از وقوع جنگ اوکراین بسیاری براین باورند که همراهی، همکاری و همسویی قاره سبز و به‌خصوص لندن، پاریس و برلین با واشنگتن به‌مراتب بیشتر از گذشته شده است. در چنین شرایطی کاخ سفید، هم برای تقابل با پکن و مسکو و هم برای مدیریت تهران به‌راحتی می‌تواند باوجود خروج از برجام با استفاده از ظرفیت حقوقی یکی از سه عضو اروپایی برجام و به‌طور ویژه انگلیسی‌ها هرزمان که بخواهد فعال کردن مکانیسم ماشه، ارجاع پرونده به شورای امنیت و احیای قطع‌نامه‌های پیشین را کلید بزند. آیا به واقع پاریس، برلین و به شکل خاص لندن که محل مأموریت شما بوده است، ب‌راحتی در مسیر ریل گذاری جو بایدن قدم خواهند گذاشت؟**

واقعیت امر آن است که جنگ اوکراین تبعات خبری برای نظم جهانی ذیل بازتعریف اتحاد و اجماع ایالات متحده آمریکا با ناتو و اروپایی‌ها داشت. از آن مهم‌تر متأسفانه اروپایی‌ها اکنون مدیریت و رهبری این نظم نوین را به‌خصوص در مقوله نظامی، دفاعی و امنیتی، چه در حوزه منطقه‌ای و چه در حوزه جهانی به آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها سپرده‌اند. در این بین لندن هم اقدامات زیادی را در دستور کار قرار داد تا با ارسال سلاح به اوکراین و مواضع قاطع دیپلماتیک خود در برابر مسکو بتواند علاوه بر تداوم و تشدید جنگ اوکراین مانعش را به نزدیک‌ترین حالت ممکن با منافع آمریکایی‌ها برساند. درحالی‌که تا پیش از این زمینه‌تضعیف ناتو و عدم سرمایه‌گذاری و هزینه برای این نهاد نظامی و امنیتی در میان کشورهای اروپایی شنیده می‌شد. ولی اکنون تنهاته‌خبری از تضعیف ناتو نیست بلکه کشورهای اروپایی علاوه بر هزینه‌های گزاف برای تقویت بودجه این نهاد، تلاش وافری دارند تا سایر کشورهای باقی‌مانده اروپایی را هم به جرگه اعضای این پیمان بکشانند. همان‌گونه که گفتم نقش رهبری اصلی و مدیریت مرکزی دست آمریکایی‌هاست و به دنبال آن انگلیسی‌ها هم بعد از خروج از اتحادیه اروپا برای حفظ شأن و جایگاه بین‌المللی خود سعی می‌کنند بیشترین همراهی را با مواضع ایالات متحده داشته باشند. به همین دلیل لندن سعی می‌کند حتی‌المقدور دیدگاه خود را در همه مسائل خرد و کلان سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری، امنیتی، دفاعی و… با خاستگاه آمریکایی‌ها تطبیق دهد. پس در چنین شرایطی امکان دارد بایدن حتی با عدم

احیای برجام و نبود اهرم حقوقی برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه از ظرفیت سه کشور اروپایی حاضر در توافق هسته‌ای برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه استفاده کند. ● **در نظرگرفتن مجموعه این نکات، قطع‌نامه شورای حکام با ۳۰ رای مثبت، سه رای منتع (هند، پاکستان و لیبی) و تنها دو رای مخالف چین و روسیه چه پیام معناداری برای جمهوری اسلامی ایران و به‌خصوص دولت سیزدهم دارد؟**

مهم‌ترین پیام قطع‌نامه چهارشنبه هفته گذشته شورای حکام با ۳۰ رای مثبت برای جمهوری اسلامی ایران آن است که ما نباید از هیچ کشوری، تاکید می‌کنم از هیچ کشوری انتظار حمایت، همکاری و همسویی داشته باشیم. دیپلماسی و منافع ملی کشورها ایجاد می‌کند که چیزی به نام «همراهی» و «همسویی» بدون درنظرگرفتن منافع، محلی از اعراب نداشته باشد؛ بنابراین اگر کشورهایی مانند چین و روسیه در نشست شورای حکام مخالف قطع‌نامه بودند، برای مخالفت خود منفعی را تعریف کرده‌اند وکره این رای مخالف به‌معنای همراهی و حمایت از ایران نیست بلکه این معنا می‌دهد که عدم صدور قطع‌نامه علیه پرونده فعالیت‌های هسته‌های ایران در راستای منافع آنها تعریف می‌شود. ضمنا ایران یا هر کشور دیگری نباید انتظار داشته باشد که کشور دیگری نظیر چین، روسیه و… کارهایش را پیش ببرد. این مقتضای استقلال سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران نیست و منافع ما ایجاد می‌کند که چنین رفتاری در حوزه سیاست خارجی داشته باشیم. پارادایم سیاسی و دیپلماتیک در نظام جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس ارزش‌ها و نظرات مقامات و کارشناسان داخلی تنظیم، تعریف و پیاده شود. تهران نباید و نمی‌تواند برخلاف نظام هنجاری و ارزش‌های خود اقدامات دیپلماتیک انجام دهد. بنابراین ما باید این ارزیابی را داشته باشیم که چه راهی بهترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر برای تحقق منافع ملی است. از طرف دیگر تنها و تنها جمهوری اسلامی است که باید مدیریت سیاست خارجی خود را پیش ببرد. پس امکان دارد در بره‌های سیاست خارجی ما در همراهی با یک کشور مانند روسیه و چین تعریف شود، در بره‌های با اروپا، آمریکا و… نباید به‌صورت بسته و غیرقابل‌انعطاف عمل کنیم. اگر استقلال و اصول خود را حفظ کنیم و به دیپلماسی این اجازه را بدهیم که بتواند معطوف، عقلانی و هوشمند عمل کند، ما به اندازه کافی از توان و نیروی انسانی لازم برای پیشبرد سیاست خارجی بی‌نیازیم، یویا، فعال و جلال در جهت تحقق منافع ملی برخوردار هستیم؛ مشروط به اینکه به نیروهای انسانی اجازه داده شود در حوزه تخصصی سیاست خارجی و دیپلماسی از دانش و تخصص خود به نحو احسن در راستای تحقق منافع ملی استفاده کنند. پس شکل‌گیری این انتظار که چین، روسیه یا هر کشور دیگری بخواهد به ما کمک کند، نه واقعی است و نه عقلانی.

● **اجازه دهید آغاز مصاحبه یک سؤال عمیق درباره آسیب‌شناسی چرایی رسیدن ایران به این نقطه باشد. فارغ از نقش عربستان، اسرائیل و کشورهای اروپایی یا فشار سنا بر دولت بایدن و نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تهیه دو گزارش رافائل گروسی درخصوص پرونده هسته‌ای ایران و متعاقبش تهیه پیش‌نویس و نهایتا صدور قطع‌نامه علیه ایران بسیاری براین باورند که بیش و پیش از تل‌آویو، ریاض، کنکره آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شخص رافائل گروسی باید سبیل اتهام را به سمت تهران چرخاند؛ چراکه به دلیل تأخیر در آغاز مذاکرات و نحوه مدیریت گفت‌وگوها در وین که به توقف ۹۲روزه مذاکرات انجامید، سبب شد تک‌تک مخالفان منطقی‌ه‌ای و فرمانطقه‌ای برجام، فضا و زمینه برای تقابل با ایران را پیدا کنند تا کار به صدور قطع‌نامه علیه ایران کشیده شود. شما تا چه اندازه این گزاره را قبول دارید؟**

پیش از پاسخ به این سؤال شما من معتقدم چالش کنونی که بعد از صدور قطع‌نامه شورای حکام بیشتر هم شده، بحث پادمانی است؛ یعنی مشکل و اختلاف نظر کنونی بین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ایران که در صدور قطع‌نامه اوج پیدا کرده است، بر سر مسائل پادمانی است، نه ماهیت و اصل مذاکرات برجام یا نشست وین.

● **اما جناب بهاروند این دو مسئله بی‌شک با هم ارتباط دارند؛ حداقل طبقات ثانویه و غیرسه‌سقیم اختلافات پادمانی آژانس و ایران بعد از صدور قطع‌نامه، مذاکرات را تحت‌الشعاع قرار داده است.**

بله، من هم منکر این تأثیرات نیستم. به هر حال تمام این مسائل از همدیگر تأثیر می‌گیرند و بر هم تأثیری می‌گذارند؛ بنابراین همه مسائل به هم ارتباط دارند؛ اما مشخصا مشکل کنونی آژانس و ایران مسائل پادمانی بر سر ابهام یا عدم پاسخ‌گویی تهران درخصوص برخی سوالات آژانس است. با این حال باید بذیرفت زمانی که شاهد فرسایشی‌شدن نشست وین و تداوم بن‌بست مذاکرات وین هستیم، طبیعتا کشورهای غربی به‌خصوص تروئیکای اروپا و آمریکا تمایل بیشتری پیدا می‌کنند تا اختلافات آژانس با ایران را دوباره پیش بکشند که با برجسته‌سازی این اختلافات و استفاده از آن در قالب صدور قطع‌نامه اهرم فشاری علیه تهران ایجاد باشند. ضمنا قضایی که در سازمان‌های بین‌المللی مانند شورای حکام وجود دارد، این است که امکان ایجاد یک موج سیاسی و دیپلماتیک علیه هر کشوری به‌خصوص ایران وجود دارد. در کنار آن قدرت تبلیغاتی و رسانه‌ای این کشورها هم به مراتب بیشتر است، اینها علاوه بر آن است که توان پارکیری و ایجاد یک جبهه واحد و اجماع جهانی را هم دارند. این در حالی است که متأسفانه هنوز این توان سیاسی، دیپلماتیک و رسانه‌ای در ایران وجود ندارد.

● **حتی با بازگیری چین و روسیه و مخالفت پکن و مسکو نسبت به قطع‌نامه شورای حکام؟**

بله، چون ایران نتوانست حتی با مخالفت چین و روسیه و یازگیری پکن و مسکو موجی بزرگ در برابر قطع‌نامه شورای حکام ایجاد کند که اگر چنین بود، شاهد صدور قطع‌نامه چهارشنبه گذشته نبودیم.

● **پس به سؤال نخست برگردیم. به واقع پیش از آنکه انگشت اتهام را به سمت تل‌آویو، ریاض، سننای آمریکا، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام یا شخص رافائل گروسی بچرخانیم، وقوع شرایط کنونی و این بن‌بستی که پرونده هسته‌ای در آن گرفتار شده، تا چه اندازه به دلیل محاسبه‌ها یا سو،محاسبه‌های تهران بوده است؟**

در یک نگاه کلی من این مسئله را قبول ندارم. هرچند باید یک بحث تحلیلی و مفصل

در این زمینه داشته باشیم که واقعا چه فردی، چه جریانی و چه بازیگرانی باعث شدند

که ایران به این نقطه برسد.

● **با این تفاسیر بحث‌رعاتی بعد از صدور قطع‌نامه شورای حکام شکست مذاکرات وین و مرگ برجام را قطعی می‌دانید؛ به‌ویژه اینکه احتمالا شاهد واکنش‌های تند ایران خواهیم بود؛ هرچند تاکنون اقداماتی نظیر قطع فعالیت دوربین‌های فرابادمانی، خاموش‌شدن ۲۷ دوربین نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تحرکاتی برای تولید و نصب نسل‌های جدید سانتریفیوژ ازجمله IR-6 و IR-4 و IR-2m با افزودن دو آشبار از سانتریفیوژ IR-6 در دستور کار قرار گرفته است.**

من قبول ندارم که با صدور قطع‌نامه و حتی واکنش‌ها و اقدامات متعاقب تهران دیگر به مذاکرات وین نیاز نیست. من بر این باورم که تا آخرین لحظه به گفت‌وگو، مذاکره و دیپلماسی نیاز داریم. اساسا همه طرف‌ها به دیپلماسی نیاز دارند. در واقع دیپلماسی کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و درعین‌حال عقلانی‌ترین مسیر برای تحقق منافع و اهداف در هر کشوری است.

● **بعد از صدور قطع‌نامه چهارشنبه گذشته بسیاری معتقدند که اکنون توپ در زمین ایران است و به‌همین دلیل واکنش تهران می‌تواند آینده برجام و سمت‌وسوی کل تحولات بعدی را مشخص کند. با توجه به اینکه اقداماتی که سازمان انرژی اتمی در همین ۷۲ ساعت اخیر انجام داده که به بخشی از آن در سؤال قبلی اشاره شد، به اندازه کافی فضا را تند کرده است. آیا در شرایط کنونی و با در نظر داشتن بحران معیشتی و اقتصادی در داخل و نیز گسل‌های سیاسی – اجتماعی اساسا فضای موجود تصاعد تنش و اتخاذ تصمیمات رادیکال‌تر را دارد؟**

اقداماتی که ایران در این سه روز بعد از صدور قطع‌نامه انجام داده، واکنش‌های احتمالی بعدی در حوزه اقدامات فرابادمانی مورد توافق ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب برجام است. به هر حال چون جمهوری اسلامی می‌بیند آژانس در مسائل پادمانی به ایران فشار می‌آورد بنابراین تهران هم سعی می‌کند در حوزه فرابادمانی از خود واکنش نشان دهد. با این حال من تاکید دارم نباید فضا بعد از